

حرف نامی ترقی

ش ج ۲۰۰۰ الہ «مقصد اقصی» عزیز الدین نسفی

استاد غلام حسین ابراہیم دینانی

با ترجمہ انگلیسی

مقدمہ و متن اصل

پدید آورنده:

امیر اسماعیلی



نور سخن

۱۳۹۹

سرشناسه	ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۱۳
عنوان قراردادی	مقصد اقصی. فارسی. شرح
عنوان و نام پدیدآور	عرفان شرقی: شرح رساله مقصد اقصی عزیزالدین نسفی استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی (با ترجمه متن اصلی)/پدیدآور: امیر اسماعیلی؛ مترجم: ادوارد هنری پالمر. تهران: نور سخن، ۱۳۹۸.
مشخصات نشر	۳۲۴ ص.
مشخصات ظاهری	۳-۶۰-۹۶۰۶۰-۹۷۸-۶۲۲
شابک	فیبا
وضعیت فهرست نویسی	نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. مقصد اقصی -- نقد و تفسیر
یادداشت	تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
یادداشت	Sufism -- Early works to 20th century
عنوان دیگر	آداب طریقت -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Customs of the order -- Early works to 20th century
موضوع	نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. مقصد اقصی. شرح
موضوع	پالمر، ادوارد هنری، ۱۸۴۰ - ۱۸۸۲ م. مترجم Palmer, Edward Henry
شناسه افزود	اسماعیلی، امیر، ۱۳۶۵ - پدیدآورنده Esmaili, Amir
شناسه ال. ا.	BP288
رده بنیاد کنگ	۲۹۷/۸۴
رده بندی ی. سی	۶۰۲۰۰۰
شماره کتابشناس ملی	



نور سخن

عنوان: عرفان شرقی / امیر - استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی

بر رساله مقصد اقصی عزیزالدین نسفی

پدیدآورنده: امیر اسماعیلی

مترجم متن اصلی: ادوارد هنری پالمر

مترجم مقدمه: فریناز کاویانی فر

بهاء: ۶۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸۶۲۲۹۶۰۶۰۶۳

مشخصات نشر: انتشارات نور سخن

تمام حقوق این اثر، برای ناشر محفوظ است

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان یوزیل، کوچه گلزار، پ، واحد ۱

تلفن تماس: ۸۷۹۴۴۴۱ و ۹۱۹۵۵۵۳۶۱



noore-sokhan.ir



NoorSokhanpub

فهرست مطالب:

۹	پیشگفتار
۱۹	مقدمه استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی: طریق درون
۲۹	فصل اول: در بیان آنکه رونده کیست و راه چیست و منزل چند است و مقصد...
۴۴	فصل دوم: در بیان آنکه شریعت و طریقت و حقیقت چیست.
۵۶	فصل سوم: در بیان انسان کامل
۵۹	فصل چهارم: در بیان کامل آزاد
۶۷	فصل پنجم: در بیان صحت
۷۳	فصل ششم: در بیان ترک
۸۴	فصل هفتم: در بیان سلوک
۹۲	فصل هشتم: در بیان نصیحت
۹۶	باب اول: در سخن اهل تصوف در معرفت ذات خدا تعالی
۱۱۷	باب دوم: در بیان صفات خدای تعالی
۱۲۴	باب سوم: در افعال خدای تعالی
۱۳۱	باب چهارم: در معرفت افعال بر قول اهل حکمت
۱۴۶	باب پنجم: در معرفت ولایت و نبوت
۱۵۳	باب ششم: در بیان اعتقاد اهل تقلید و اهل استدلال و اهل کشف
۱۶۵	باب هفتم: در معرفت انسان
۲۲۳	باب هشتم: در بیان چهار دریا
۲۴۲	خاتمة الکتاب
۲۴۵	نمایه

پیشگفتار

شیخ عبدالعزیز بن محمد نسفی، معروف به عزیزالدین نسفی، یکی از بزرگ‌ترین عارفان و ثرئیویان زبان پارسی در سده هفتم هجری است که تأثیر زیادی بر روند عرفان اسلامی گذاشته است. محل تولد وی منسوب به شهر نسف یا تَخَشَب (نَسَف قارشی در ازبکستان امروزی) است. معلوم است که نسفی از مریدان شیخ سعدالدین حمویه از عارفان بزرگ قرون ششم و هفتم هجری بود و او را می‌توان از پیروان تصوف وی دانست. هرچند با این همه باید اذعان نمود که در راه تاریخ احوال زندگانی نسفی به‌طور دقیق روشن نیست و جنبه‌های مبهم زندگی او بسیار است.

عزیز نسفی در «نَسَف» خوارزم (سوراء نهر) زندگی می‌کرد و بخشی از زندگانی خود را در خوارزم گذرانید و سپس به بخارا عزیمت نمود تا آنجا نیز به تکمیل آموخته‌های خویش بپردازد. نقل است که در همین شهر به تحصیل حکمت و فلسفه و همچنین طب پرداخته است. سپس در سال ۶۷۱ق و بر اثر هجوم مغولان از آن ولایت را خراب کردند و به قتل عام فجیع اهل آن دیار پرداختند، بخارا را ترک کرده است. البته شرح این اتفاقات را در رساله «کشف الحقایق» خود ابراز نموده است. از آنجا بود که نسفی، به نمری طولانی را آغاز نمود که ابتدا از آنجا به خراسان و سپس اصفهان و سرانجام به شیراز مهاجرت کرد. به ظن قوی در نهایت به ابرقوه روانه شده و همان‌جا نیز بدرود حیات گفت. متأسفانه سال وفات نسفی نیز به‌طور دقیق مشخص نیست؛ به هر حال، از نکاتی که عزیزالدین نسفی در برخی از آثارش ذکر نموده، سال درگذشت نسفی می‌بایست بین حدود سال‌های ۶۸۰ و ۶۹۹ق، بوده باشد و احتمالاً در آن زمان، حدود صدسال عمر کرده است. به‌طور مثال «صاحب مجالس العشاق تاریخ وفات او را ۶۱۶ و ۶۶۱ق و مؤلف ریاض العارفین و

مجمع الفصحاء ۶۱۶ق می‌داند. در ریخانة الادب نیز سال ۶۱۶ق و در معجم المؤلفین ۶۸۶ق به عنوان سال وفات او ذکر شده است. ... به احتمال قوی عزیز نسفی تا سال ۶۹۱ق در ابرقو در قید حیات بوده، زیرا در رساله‌ای با عنوان «معرفت انسان» که در مجموعه سال‌های او با نام «انسان کامل» از ص ۱۵-۳۵ چاپ شده آمده که این رساله در رمضان ۶۹۱ق در کوه ابرقو نوشته شده است.^۱

آرامگاه عزیزالدین نسفی، معروف به «پیرحمزه سبزپوش» یکی از آثار تاریخی مربوط به دوره سلجوقیان در ابرکوه است که با وجود شهرتش صاحبش در جهان، شخصیت این عارف و بنیان‌گذار ای مقبره وی هنوز کاملاً شناخته شده نیست.

عصری به نسفی در آن می‌زیست، یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ ایران و ماوراءالنهر است. او نظاره‌گر زرگتاری مصیبت‌هایی بود که بر سر مردم این مرز و بوم رفته است؛ به‌طوری‌که نوشته‌اند نسفی به ستگان‌اش را در فتنه‌های پیایی مغولان از دست داده بود. او به سبب اوضاع نابسامان ماوراءالنهر و خراسان که مجال برای تعلیم و تصنیف نمی‌گذاشت، بیشتر کتاب‌های خود را در املال، اقامت‌های کوتاه و بلند خود در کرمان، شیراز، اصفهان و سرانجام در ابرقوه نوشت. به دست نامعلومی و مشخص نبودن رویدادهای زندگانی نسفی، افزون بر بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی دوران زندگی او، روحیه پرهیز از شهرت‌طلبی و گریز وی از مراکز قدرت و دربار حکمرانان زمان نیز بوده است. عهدی که نسفی در آن می‌زیست، همچون «زمانه خون‌ریز» و «ایام فتنه‌آلود» خواجه شیراز، پرخطر و خلل بود. نسفی این نگرانی خود را در جایی از کتاب «مقصد القاص» به‌طریق ابراز کرده است: «اکنون من از خود چیزی نمی‌گویم تا مرا به کفر نسبت نکنند. من نفی می‌کنم و می‌گویم: اهل وحدت این چنین می‌گویند و اهل تصوف آنچنان می‌گویند...». شگردی که نسفی برای محفوظ ماندن از این خطرات به کار می‌گرفت، این است که غالباً هر مبحثی را با عبارت «اهل شریعت می‌گویند» یا «اهل حکمت می‌گویند» یا «اهل وحدت می‌گویند»

۱. عزیزالدین بن محمد نسفی، «بیان التزیل»، به تصحیح و تعلیق سید علی اصغر میرباقری فرد، ج ۱، تهران: سخن،

آغاز می‌کند. بنابراین نسفی عقاید مختلفی را بدون اینکه خود را پیرو نحله‌ای خاص نشان دهد، بیان می‌کند.

نسفی در دورانی زندگی می‌کرده که مذهب ابوحنیفه در موطن وی در اوج قدرت بوده و به همین سبب احتمال آن می‌رود که او نیز به آرای اهل آن دیار بوده است. البته برخی دیگر برآنند که چون نسفی در کتاب «کشف الحقایق» از اصول و معتقدات تشیع با احترام، سخن‌ها رانده است، مذهب وی نیز آیین شیعه بوده است. مکالمه وی با سعدالدین حمویه، درباره اولیاء و صاحب الزمان، دلیلی بر تشیع وی به نظر می‌رسد. در عین حال در نقل احوال و حوالا باطنیان (اسماعیلیه) نیز کوشیده است.

در زمره نویسندگان متصوّف، نسفی یکی از کسانی است که از دیرباز در برخی کشورهای اروپایی نیز معروف بوده است. در سال ۱۶۵۵ میلادی بخشی از رساله «مقصد اقصی» از متن ترجمه ترجمه آن به لاتینی درآمد و تولوک، در نگارش رساله خود در شرح احوال متصوّفه، از آن بسیار سود جست. دیری بعد در سال ۱۸۶۷ میلادی، ادوارد هنری پالمر^۱، این رساله را به انگلیسی ترجمه کرد و آن را به ناپلئون سوم، امپراطور فرانسه هدیه داد. فریتس مایر، یک‌صد سال پس از آن، در کتاب «نوجه خاورشناسان را به نسفی جلب کرد و این دوره‌ای بود که پروفیسور هانری کریبن، رئیس مؤسسه مطالعات عالی اسلامی در دانشگاه سوربن در زمینه عرفان اسلامی سخت کوشید». کتاب «انسان کامل» یکی از آن آثار نسفی است که ماریژان موله، با نظر وی به نشر آن پرداخته است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت علمی و عرفانی عزیز نسفی، برخورداری از روحیه‌ای علمی و تحقیقی به معنای دقیق بود. او با سعه مشربی کم‌نظیر دیدگاه و عقاید مختلف را

۱. ادوارد هنری پالمر، متولد ۱۸۴۰م، نویسنده و استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه کمبریج بوده است که به زبان‌های فارسی، اردو، عربی، یونانی، لاتینی، ایتالیایی و سنسکریت آشنایی داشت. از جمله آثار او می‌توان به ترجمه انگلیسی قرآن کریم؛ ترجمه ایللیاد هومر به انگلیسی، صرف و نحو مختصر هندی، فارسی و عربی؛ ترجمه منظوم قصائد زیادی از عربی و فارسی به انگلیسی؛ ترجمه ایللیاد هومر به انگلیسی؛ چاپ و انتشار سفرنامه ابن جبیر اندلسی؛ ناصرالدین شاه در لندن؛ هارون خلیفه عباسی و... اشاره کرد. در سال ۱۸۸۲م، پالمر طی مأموریتی که به‌عنوان مترجم نظامیان انگلیسی در زمان نزاع بین انگلیس و اعراب بر عهده داشت، در مصر کشته شد. (یزدانپرست، حمید؛ نامه ایران: اطلاعات، چاپ نخست-۱۳۸۸)

هرچند با معتقدات او تعارض داشت، در آثار خویش بیان کرد و سبب گردید آثار او از منابع مهم تحقیقی به‌شمار آید و حتی پیشرو تحقیقات علمی در باب تصوف شناخته شود. او با این روحیه عالمانه و محققانه، در آثار خویش برای بیان مطالب و مباحث خود، شیوه‌ای نو به کار می‌گیرد و برای تبیین مسائل عرفانی و حکمی، دیدگاه‌های مختلف فکری را که گاه با هم مخالف است، در کنار هم مطرح می‌کند و به نتیجه‌گیری می‌پردازد. عقاید اهل شریعت، اهل حکمت و اهل وحدت، سه رکن مهم بیشتر مباحث اوست که گاه عقاید اهل تناسخ با گروه‌های دیگر نیز به تناسب مطرح می‌شود.

او در کتاب «کشف الحقایق» توضیح می‌دهد برای این که اطمینان حاصل کند که آیا حواس باطنی طبق نظر حکما پنج حس است یا بنا بر نظر طبیبان سه حس، مدتی دراز به تحصیل طب و به الجف و ساران پرداخت. وی در بیان عقاید مخالفان، آن قدر پیش می‌رود که گاه متهم می‌شود مذهبی و مذهب فکری آنان را اختیار کرده است. مثلاً او به رغم آنکه در بیان دیدگاه‌های اهل تناسخ، به روشنی اختلاف آنان را با اهل حکمت تشریح می‌کند و گاه به سرزنش و مذمت آن‌ها می‌پردازد، گاهی او را به اهل تناسخ منسوب کرده‌اند. سعه مشرب او تا بدان جااست که از ریاضات و مبادات اهل هند تمجید و عقاید آنان را سخنی به غایت خوب توصیف می‌کند. این شیوه تألیف که در آن آرای و دیدگاه‌های متفاوت بدون جانبداری مطرح می‌شود، در بین معاصران وی و حتی پیش از او کمتر به چشم می‌خورد.

با بررسی آثار نسفی، می‌توان شخصیت او را چنین ترسیم کرد: وی یک صوفی است که تنها به احوال و مقام‌های عرفانی بیان‌دیشد و سلوک پیشه‌کند و نه عالمی است که به ظاهر شریعت بسنده نماید. او حکیم و عارفی است که بر فقه، فلسفه، کلام، طب، عرفان و دیگر علوم زمان خویش احاطه دارد و علاوه بر آن با آرای گروه‌ها و مذاهب مختلف در شریعت، حکمت و عرفان به نحو شایسته آشنا بوده است.^۱

۱. بیان التنزیل، تصحیح و تعلیق سید علی اصغر میر باقری فرد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹